
آوازه‌های ناخوانده قوی پیرِ تنهای مهاجر

ایلیا فابیان به روایت ایلیا فابیان

در گفت‌وگو با:

حسن شکاری و لیزا ویوارللی

ترجمه: لیزا ویوارللی

ویرایش: حسن شکاری

www.ketab.ir

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
فایان، ایلیا Elia Fabian، تولد: ۱۹۲۵، مرگد: ۲۰۱۰ م -
آوازه‌های ناخوانده قوی پیرِ تنهای مهاجر؛ ایلیا به روایت ایلیا
ایلیا فایان: در گفتگو با حسن شکاری و لیزا ویوارلی؛
ترجمه: لیزا ویوارلی؛ ویرایش حسن شکاری.
تهران، دانو، ۱۳۹۸.

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
۲۰۳ ص.
ISBN 978-600-97653-1-7

وضعیت فهرست‌نویسی
فایان، ایلیا - مصاحبه‌ها
فایان، ایلیا - سرگذشتنامه
شعر ایتالیایی، قرن ۲۰ م. - مصاحبه‌ها
Poets, Italian - 20th century-Interviews
شاعران ایتالیایی - قرن ۲۰ م. - سرگذشتنامه
Poets, Italian - 20th century-Biography
ویوارلی، لیزا، مترجم
Vivarelli, Lisa
شکاری، حسن، ۱۳۳۶ -، ویراستار
۱۳۹۶ ۴۴۶۴ ی ۲ الف / ۴۸۷۶PQ
۸۵۱/۹۱۲
۳۴۰۰۶۷۲
فایان، ایلیا - مصاحبه‌ها
فایان، ایلیا - سرگذشتنامه
شعر ایتالیایی، قرن ۲۰ م. - مصاحبه‌ها
Poets, Italian - 20th century-Interviews
شاعران ایتالیایی - قرن ۲۰ م. - سرگذشتنامه
Poets, Italian - 20th century-Biography
ویوارلی، لیزا، مترجم
Vivarelli, Lisa
شکاری، حسن، ۱۳۳۶ -، ویراستار
۱۳۹۶ ۴۴۶۴ ی ۲ الف / ۴۸۷۶PQ
۸۵۱/۹۱۲
۳۴۰۰۶۷۲

آوازه‌های ناخوانده قوی پیرِ تنهای مهاجر

در گفتگو با حسن شکاری و لیزا ویوارلی
جلد سوم از - ایلیا فایان
چاپ اول
۱۳۹۸
۱۱۰۰ نسخه
حسن شکاری
گنجینه
پردیس دانش
۳۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۰۰-۹۷۶۵۳-۱-۷
شابک

حق چاپ محفوظ است



نشر دانو

نشر دانو: تهران، خیابان ولی عصر، خیابان ابن سینا، خیابان سیزدهم، پلاک ۲۰، واحد ۸
تلفن: ۸۸۷۱۰۷۲۱ و ۹۶۳۵ ۷۶۸ ۰۹۳۰
nashr_dano@yahoo.com

هرگونه استفاده از جلد و متن کتاب (اعم از: زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری، تهیه CD) بدون اجازه کتبی ناشر و مؤلف ممنوع است. متخلفان به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست مطالب

آوازه‌های ناخوانده و پیر تنهای مهاجر یا دنیایی که من شناختم:	
ایلیا فابیان.....	۷
حاشیه‌ای بر آوازه‌های ناخوانده و پیر تنهای مهاجر: لیزا ویوارللی.....	۱۳
پیشگفتاری بر آوازه‌های ناخوانده و پیر تنهای مهاجر: حسن شکاری.....	۱۷
سرآغاز.....	۲۳
کودکی.....	۳۱
نوجوانی.....	۴۵
جوانی.....	۵۷
نخستین عشق یا آخرین عشق.....	۹۱
تبعید.....	۱۲۱
مهاجرت.....	۱۴۱

پیش‌گفتاری بر

آوانویسی متن و آندۀ قوی پیرِ تنهای مهاجر

چند روزی پس از گفت‌وگو در سی‌وپنج‌روزۀ من و لیزا و یوارللی شاعره و مترجم توانای معاصر ایتالیایی با الیا ذبیان و شکل‌گیری کتاب زمزمه‌های شرقی، از الیا ذبیان درخواست گفت‌وگوی دیگری کردم در شامگاهی به وقت سیینا در ایتالیا. الیا ذبیان، کلاتی صمیمی از این درخواست استقبال کرد اما با تأکید بر این جملات: «برای من دیدن شما دلایل استقبال از این گفت‌وگو را می‌نویسم و برای تان می‌دانم.» و دو روز بعد ایمیل یا پست تصویری دریافت کردم با این مضمون:

«شما می‌دانید که من آدم گفت‌وگو هستم و گفته‌های بسیار دارم از هشتادوپنج سال زندگی در روزگارانی که به گمانم یکی از دهشت‌خیزترین دوران تاریخ بشری بوده است. پس اگر به سخن درآیم، بسیار خواهم گفت از حقایق و حوادثی که اکنون و در دهۀ آغازین قرن بیست‌ویکم کم‌کم فراموش و دریادها گم می‌شوند. به ویژه از واقعیت‌هایی خواهم گفت و «رازهای بسیار» و اسرار را که ممنوع شمرده شده‌اند از سوی

صاحبان ثروت و قدرت جهانی که بی‌رحمانه سلطه رانده‌اند و می‌رانند بر سرنوشت میلیاردها انسانِ دورنگه‌داشته‌شده از مواجهه با حقایقی که می‌توانند چنان چراغی پرفروغ بتابند بر بیراهه‌های تاریک ایجادشده در این روزگاران، و راه آینده را بنمایانید بر ره‌گم‌کردگان و از خود بیخودشدگان مسخ‌شده. من از این گفت‌وگو استقبال می‌کنم و امیدوارم حاصل این گفت‌وگو با کار و همت شما گرد آید در کتابی و در دسترس خوانندگان ایرانی کتاب قرار گیرد و بر مردمان ایرانی پرشور و مبارز و آرمان‌جو و عدالت‌طلب و در جستجوی حقیقت آشکار سازد حقایق پنهان‌مانده در شعبده‌بازی «فریب مردمان دنیا» که با تردستی صاحبان ثروت و قدرت غربی به راه افتاده است. و از این گفت‌وگو بسیار استقبال می‌کنم، زیرا من دنیایی که شناختم، اکنون تنها در چند نقطه و مکان جغرافیایی از کره زمین می‌توان از وقایع و حوادث پدیدآمده از پس پلشت‌ترین اعمال غیرانسانی این صاحبان ثروت و قدرت غربی گفت؛ فقط در چند نقطه انگشت شما که یکی از آن نقاط ایران شماست؛ و از دنیایی گفت که روزگاری بهشت زمین انسان بود و اکنون به دوزخی جانسوز تبدیل شده است! پس می‌گویم در این گفت‌وگو از حقایقی بگویم برای مردمان سرزمین مادری‌ام، شاید بر آنان پوشیده مانده باشند این حقایق در پس این همه فریبکاری صاحبان ثروت و قدرت غربی که خود را مالکان دنیا و حاکمان بر سرنوشت انسان می‌دانند و خداوندگارانی درخور ستایش، و ما را بندگان حقیر و مستحق تحقیر می‌دانند که می‌باید به رنج‌آمیزترین تقدیرها محکوم‌مان ساخت!

«می‌دانم به پایان راه نزدیک شده‌ام و به‌زودی به جهان دیگر خواهیم شتافت؛ و گرچه هیچگاه خاموش نبوده‌ام در سکوت خفت‌بار، و همیشه

فریاد اعتراض سرداده‌ام در مواجهه با صاحبان ثروت و قدرت، اکنون نیز در این ایام پایانیِ زندگانی‌ام، از این فرصت گفت‌وگو استفاده می‌کنم در انتقال اندوخته‌هایم از زندگی در پرآشوب‌ترین قرن تاریخ، و از صمیم قلب به حدیث رنج و درد روزگارانی می‌نشینم که پدید آمدند فقط از زیاده‌طلبی و حرص و آز سیری‌ناپذیر و روح خودکامگی این صاحبان ثروت و قدرت در دنیایی پر از بی‌عدالتی و ناامیدی و ستیز و خشونت و وحشت، اضطراب و تاریکی! و امیدوارم این گفت‌وگو به سرانجامی بینجامد، روش‌گری برای نسل جوان معاصر ایران که اتفاقاً هدف قرار گرفته است. من صاحبان ثروت و قدرت غربی، می‌گویم هدف قرار گرفته نسل جوان معاصر ایران؛ باور کنید جز این نیست، و این واقعیتی مسلم است و اگر در پییم سخن بزنیم، وقایع و حوادث کنجکاوی کنیم، بر این واقعیت مسلم آگاه می‌شویم که صاحبان ثروت و قدرت غربی در فکر یکسره کردن کار فتح دنیا و سلطه بر آن، چرا بر زندگی، سرنوشتی بس هولناک برای نسل‌های جوان معاصر دنیا به ویژه نسل‌های جوان کشورهای چونان ایران رقم زده‌اند در بازوهای تریک‌ارانه‌ای که به راه انداخته‌اند و با هر وسیله ممکن صداهای معترض را سرکوب، یا تطمیع و یا خاموش کرده‌اند.

«اکنون بیش از هر زمان دیگر در این زندگی هشتاد و پنج ساله اساس تنهایی و بیگانگی می‌کنم زیرا خود را یکی از تنها معترضان بر مانده یافته‌ام که با ایمان و اعتقاد و آرمان‌های بزرگ انسانی کوشیدند در روشنگری عصر خود و آگاه کردن مردمانی که تنها نیروی تغییر دهندهٔ مناسبات ناعادلانه و غیر انسانی بودند؛ اینک که این همه شعبده و فریبکاری به جریان افتاده برای مسخ و تحمیق مردمان جهان؛ اینک که

انسان معتقد و با ایمان و آرمان‌خواه را تبدیل کرده‌اند به انسان فریب‌خورده بی‌ایمان و مسخ‌شده، تا چونان بردگان دوران باستان، با تحمل رنج‌هایی توصیف‌ناپذیر، از قعر زمین ثروت بیرون بکشند برای صاحبان ثروت و قدرتی که در دستی تازیانه دارند و در دستی معجون مسخ‌کننده هزاررنگ!

«از پای ننشینیم ما کسانی که روشنگری را برگزیدیم، و رسوا کنیم جادوگران دنیایی را که هزار سحر و افسون در کیسه دارند برای فریب مردمان امروز به ویژه نسل جوان معاصر. بر من و شماست و هر انسان اندیش ورز، یک روز را حتی در بی‌خبری و بی‌تفاوتی نسبت به وقایع جاری در دنیا، امروز و روزگاران معاصر نگذرانیم، که اگر چنین کنیم دچار نفرین و لعن نشویم، بعدی خواهیم شد و از ما همیشه به بدی یاد خواهند کرد! بر ماست که هم‌اکنون با صداهای معترضی که اکنون از درون ایران یا سرزمین‌های تحت ستم برمی‌خیزند علیه تبعیض و بی‌عدالتی که صاحبان ثروت و قدرت جهانی بر آنان روا می‌دارند!

«اما یکی دیگر از فریبکاری‌های بزرگ ایر صاحبان ثروت و قدرت، بی‌اعتماد کردن من و شما به یکدیگر است. من و شما را متنباس کردن و تبدیل ما به گروه‌های کوچک قابل کنترل؛ همان‌طور که در بروپاشی کشورها کرده‌اند و می‌کنند. در بیست سال گذشته مقدمات این نکهت‌شدن‌ها فراهم شده است. ما می‌باید در جهت اتحاد و اتفاق و همداستانی با یکدیگر بکوشیم زیرا روزگاران بیگانگی انسان با خود و دنیایش در پیش است و روزگاران سلطه بر این انسان بیگانه‌شده با خود و دنیای خود. گفت‌وگو آغاز این اتحاد و اتفاق است؛ گرمی‌اش بدریم و این راه نجات را بپیماییم و فرصت باقی‌مانده را دریابیم که فردا دیر است!»

در پی دریافت این متن و بازخوانی چندباره آن فهمیدم که ایلیا فابیان با ذهنی بسیار آماده‌تر از گفت‌وگوی قبلی و بسی سرشارتر، در این گفت‌وگو شرکت خواهد جست و گفتنی‌های دیگری دارد شنیدنی در باره دنیایی که در آن زیسته است و اکنون با شناختی درخور زندگی مسئولانه و متعهدانه‌اش، به روایت زندگی سپری شده‌اش خواهد نشست. و در شروع این گفت‌وگو بود که دریافتم مانند گفت‌وگوی پیشین می‌بایست با شکایت و رنج و هوشیاری، پرسشی کوچک داشته باشم و در انتظار پاسخی بزرگ، سیم. پس، پرسشی کردم و گوش سپردم به پاسخ ایلیا فابیان. و به دست روال نیز، همکارم لیزا ویوارللی پرسشی کرد و در دریافت پاسخ، روزه‌های متوالی چشم به صفحه نوت‌بوک‌اش دوخت، و زحمتی نزدیک به دو سال برایش تا اهم آمد تا گفته‌های ایلیا فابیان را به فارسی برگرداند. در طی این مدت، من هم به ویرایش متن پاسخ ایلیا فابیان کوشیدم تا پس از تلاشی نزدیک به دو سال، کتاب پیش رو گردآوری شود برای شما خواننده ایرانی آثار ایلیا فابیان، از گفت‌وگوی ما سه فرد مشتاق گفت‌وگو و مفاهمه.

حسن شکار

ایران، تهران

ششم اردیبهشت یکهزار و سیصد و نود و یک، خورشیدی،

بیست و پنجم آوریل ۲۰۱۲ میلادی